

واکاوی زمینه‌های اجتماعی-سیاسی رشد تکاپوهای علمی شیعیان در دوره سلجوقیان

* نیره زبرجدی

چکیده

سده‌های پنجم و ششم هجری دوره‌ای درخشان در رشد علمی جوامع اسلامی بود و دانشمندان شیعه نیز در این روند مشارکت داشتند. نخبگان شیعی براساس چارچوب‌های فقهی خود و اتخاذ سیاست میانه‌روی در مراتب مختلف حکومت حضور یافته، اقدامات مهمی را در حوزه‌های دانش (آموزش، تربیت شاگردان، تألیف کتب) و رشد نهادهای مربوط (تأسیس مدارس) و ترویج مذهب شیعی به ثمر رساندند. در نتیجه این فعالیت‌ها بالندگی مذهب شیعه امامی در این دوره رقم خورد. در این مقاله زمینه‌های اجتماعی سیاسی رشد تکاپوهای علمی شیعیان در دوره سلجوقیان مورد بررسی قرار گرفته تا به این سوال پاسخ داده شود که با وجود سیاست دینی سلجوقیان در جانبداری از مذهب اهل‌سنّت، چگونه تکاپوهای علمی عالمان شیعی افزایش یافت؟ براساس داده‌های موجود، این فرض مطرح می‌شود که بروز مباحثت جدید و لزوم مواجهه با برخی چالش‌های درون دینی و برون دینی و نیز بروز برخی علایم بحران در نظام اندیشه‌ای جامعه اسلامی در آن دوره، زمینه‌ساز انگیزه و تحرک شیعیان برای حرکت و تلاش علمی گردید.

واژگان کلیدی

شیعیان، علمی، سیاسی، سلجوقیان، اجتماعی.

n_zabarjadi@yahoo.com
۱۳۹۸/۶/۲۰: تاریخ پذیرش:

*. مریم دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال - ایران و مدرس دروس معارف اسلامی.
۱۳۹۷/۱۲/۵: تاریخ دریافت:

طرح مسئله

سقوط آل بویه در سال ۴۴۸ ق و اقتدار یافتن غزنویان (۳۶۶ - ۵۸۲ ق) و سلجوقیان (۴۲۹ - ۵۹۰ ق) اگرچه در نظر بدوى، امری مربوط به تاریخ سیاسی می‌باشد اما اثرات فرهنگی و علمی انکار ناپذیری بر جای نهاده است. آل بویه به عنوان سلسله‌ای شیعی‌مذهب، شرایط بسیار مساعدی را برای رشد علمی امامیه در ایران و عراق فراهم نمودند. اما هم غزنویان و هم سلجوقیان سلسله‌هایی متکی بر اسلام سنی بودند که در طی حاکمیت آنان دو مذهب حنفی و شافعی به تناوب در آن اقتدار یافته‌ند و عموماً شرایط مساعدی امامیه فراهم نبود. این روند در ابتدای دولت سلجوقیان دچار چالش محسوسی شد اما با گذر زمان و فقدان شخصیت‌های متعصب مذهبی همچون طفل بیک، آلبارسلان و کندری حنفی در مناصب حکومتی، اندک اندک وضعيت تغيير پیدا کرد. علی‌رغم تکذیب‌های گاهی‌گاه برخی منابع، شيعيان همواره طيفی مقبول و محبوب در جامعه اسلامی محسوب شده و در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی جامعه تأثیرگذار و صاحب نفوذ بوده‌اند. علاوه بر این با وجود همه مخالفتها و کشمکش‌های فرقه‌ای، بسياری از مسلمانان و حتی برخی از بزرگان سلجوقی، به شيعيان امامیه به دیده احترام نگریسته و با ملاييمت بيشرتري برخورد می‌نمودند. اين امر معلول نقش دقیق و مشتی بود که شيعيان امامیه در آن عصر ایفا کردند. آنان توانيستند با در پيش گرفتن سياست ميانه‌روي و اعتدال - به خصوص با حضور عالمان شيعي عقل‌گرا که تسماح را مبنای کارخود قرار داده بودند - فعالیت اسلام‌اعليان تندرو را که مانع از توجه سلاطین سلجوقی به شيعيان امامی می‌گردید، ختنی کنند. زيرا شيعيان تلاش داشتند از بروز هرگونه درگيري با سلاجقه - که به نابودی آنها می‌انجاميد - خودداری کنند، زيرا در صورت درگيري نمی‌توانيستند اهداف اصولی و دراز مدت خود را محقق سازند.

طرح موضوع و مسئله

موضوع تکاپوهای علمی عالمان شیعه امامیه در سده‌های پنجم و ششم هجری، بسيار درخور بررسی است. دانش‌وران شیعی در هر برهه از تاریخ و بنایه اقتضائات و نیاز جامعه اسلامی و با در نظر گرفتن شرایط خاص اجتماعی و سیاسی، فعالیت‌هایی بر اساس مبانی قرآن کریم و سیره پیشوایان معمصوم در راستای تحصیل علم و دانش به انجام رسانیده‌اند. در دوره آل بویه بنا به رعایت جانب شیعیان، شرایط بهتری برای فعالیت‌های علمی آنان فراهم بود. اما در دوره سلجوقیان که زمانه رونق مذهب اهل‌سنّت و کم‌توجهی به شیعیان بود، تغییراتی در شرایط فعالیت‌های علمی و حضور اجتماعی و سیاسی عالمان شیعی رخ داد. اگرچه در کلیت امر این وضعیت روند رو به رشد علمی آنان را کند نکرده و بلکه افزایش هم داد، از این رو ضروری است این امر مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا چگونگی و چراجی افزایش تکاپوهای علمی عالمان شیعه روشن شود. مسئله تحقیق حاضر چنین است که پویایی عالمان شیعی، تحت تأثیر سیاست‌گذاری رسمی حکومت سلجوقی در حوزه فرهنگی و مذهبی قرار داشت یا از چالش‌های سیاسی و فکری کلان و رویارویی‌های فکری و علمی اهل‌سنّت و شیعیان در این دوره متأثر بود؟ برای بررسی مسئله مورد نظر باید به این سؤال پاسخ داد: زمینه‌های اجتماعی - سیاسی در افزایش تکاپوهای علمی شیعیان در این دوره چه بود؟

در ارزیابی سؤال ذکر شده، فرضیه‌ای به شرح زیر مطرح است که در خلال تحقیق بدان پرداخته می‌شود: براساس داده‌های موجود به نظر می‌رسد که در دوره سلجوقیان سیاست‌گذاری رسمی در حوزه فرهنگی و مذهبی درون قلمرو آنان و نیز چالش‌های سیاسی و فکری دو حوزه کلان اهل‌سنّت (خلافت عباسی) و تشیع (خلافت فاطمیان) زمینه‌ساز انگیزه و تحرک شیعیان برای حرکت و تلاش علمی شیعیان گردید.

مروارولیه آثار موجود نشان می‌دهد، پژوهش حاضر پیشینه چندانی ندارد، به جز رساله دکترای نگارنده تحت عنوان «دستاوردهای علمی شیعیان در دوره سلجوقیان» و نیز مقاله نگارنده با عنوان «حضور شیعیان در مناصب سیاسی - اداری سلجوقیان» که به چراجی و چگونگی تمايل شیعیان به همکاری با حکمرانان سلجوقی و دستیابی آنان به مقام‌های طراز اولی همچون وزارت می‌پردازد، اما تحقیق حاضر به دنبال بررسی علل و عوامل اجتماعی - سیاسی است که سبب افزایش تکاپوهای علمی شیعیان در دوره سلجوقیان شده است.

۱. اوضاع اجتماعی شیعیان در دوره سلجوقيان

(الف) پراکندگی جامعه شیعی

حضور علویان با فرهنگ و اندیشه خاص خود یعنی مذهب تشیع در یک جامعه به طور طبیعی موجب گسترش اندیشه مورد حمایت آنان و قدرت‌گیری شیعیان می‌شود.^۱ قراین نیز حاکی از آن است که سادات حسنی به‌ویژه نقای ایشان همچون سادات و نقای حسینی، با اقتدار و به‌طور همه‌جانبه از فرهنگ تشیع در سرزمین‌هایی که شیعیان حضور چشمگیر داشتند، حمایت می‌کردند. به‌ویژه محدثان شیعی که به نشر احادیث اهل بیت^۲ و تربیت شاگردان و فرزونی توانمند علمی همت می‌گماردند، براین اساس به منظور آگاهی از حضور چشمگیر شیعیان در مناطق مختلف، به توصیف پراکندگی جامعه شیعی می‌پردازیم.

- منطقه خراسان^۳

یکی از شهرهای پیشگام در تشیع در منطقه خراسان، سبزوار (بیهق)^۴ بود. ریشه‌های تشیع بیهق به اواسط قرن اول هجری برمی‌گردد^۵ که حضور امام رضا^۶ در نیشابور یکی از عوامل مهم گسترش تشیع در این منطقه بود.^۷ نیشابور^۸ و ماوراءالنهر^۹ نیز از دیگر نواحی شیعه‌نشین خراسان بود.

- جبال

شهر ری یکی از نواحی منطقه جبال بود که مستوفی می‌گوید: «مذهب تشیع امامی از قرن پنجم هجری در ری یک مذهب قدرتمد بود». از دیگر نواحی جبال ناحیه ورام بود، در معجم البلدان آمده که: «الهالی ورام (ورامین)

۱. زیرا علویان حاملان اصلی اندیشه شیعی محسوب می‌شوند، چنانکه قزوینی می‌نویسد: «علوی جز شیعه نباشد». (نک: قزوینی رازی، تغص، ص ۲۲۶)

۲. برای مطالعه بیشتر درباره پراکندگی جامعه شیعی در دوره سلجوقيان به پایان نامه دکتری نگارنده مقاله حاضر رجوع رجوع کنید. (ر.ک: زیرجدی، دستاوردهای علمی شیعیان در دوره سلجوقيان، ص ۲۱۶ - ۱۹۳)

۳. بزرگ‌ترین نواحی خراسان در دوره اسلامی سبزوار، نیشابور، مرود، بلخ و هرات بود. (نک: ادريسی، نزهه المشتاق، ج ۲، ص ۶۹)

۴. لستنج، چهارچایی تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۴۱۷.

۵. گردیزی، زین‌الا خبار، ص ۲۳۳

خریکی از عوامل ترویج تشیع در بیهق مهاجرت سادات نیشابور، بغداد و ری از اوایل قرن دوم هجری بود و در دوره‌های بعد ساداتی نیز از قم به سبزوار آمدند؛ (نک: همان، ص ۵۴، ۵۶۰ و ۵۴) کرت سادات بیهق سبب شد تا این فندق فضیلی از کتاب تاریخ بیهق را به سادات اختصاص دهد؛ (ر.ک: همان، ص ۳۸۵) قزوینی رازی می‌نویسد: «در سبزوار مناقب اهل بیت می‌خوانند و مردم آن الا جز شیعه نباشند، هم محل شیعه و اسلام است و...». (ر.ک: قزوینی رازی، تغص، ص ۲۲۶، ۲۰۲ و ۳۹۸) می‌توان گفت دلیل مهاجرت سیاری از سادات به سبزوار، فضای عقیدتی این شهر بوده است، یا قوت می‌نویسد: «فال غالب علی اهلها مذهب الرافضه الغلا»؛ (نک: حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۷۸) از دیگر عوامل مؤثر در نفوذ تشیع در این منطقه حضور علمای پرجسته شیعی که در دوره سلجوقيان در این منطقه می‌زیستند، بود. از جمله: ابوالفرج یعقوب بن ابراهیم بیهقی (۴۳۶ق)، شیخ رکن‌الدین ابوالحسن سبزواری تمیمی (۴۲۹ق)، زید بن حسین بیهقی و فرزندش ابوالحسن فرید خراسانی علی بن زید بن حسین بیهقی (۴۹۹ - ۵۶۵ق)، ابوالقاسم علی بن زید بن محمد بن حسین بن فندق (۵۶۵ق)، علی بن محمد قمی (۴۶۰ق). (ر.ک: متاج‌الدین، الفهرست، ص ۶۷)

۷. حاکم نیشابوری حدود بیست نفر از صحابی را نام می‌برد که بیشترشان ساکن این شهر بوده و در همانجا فوت نموده و دارای فرزندان و اعقابی بوده‌اند وی همچنین از چهل و هفت محله شیعه‌نشین در نیشابور باد می‌کند که یکی از آن محلات محله «دروازه ابوالاسود» است که وی بدان اشاره می‌کند. (نک: حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ص ۱۲۳ - ۱۲۲) ابوالاسود دوبلی کانی از شیعیان و قادر حضرت علی^{۱۰} بوده است؛ (ر.ک: طوسی، الفهرست، ص ۱۶۴) یکی دیگر از جلوه‌های اقبال مردم نیشابور به اهل بیت پیامبر^{۱۱} نام‌گذاری برخی میادین شهر به نام ذریه پیامبر^{۱۲} بوده است. بنا به نقل اصطخري یکی از میادین مهم شهر در مجاورت دارالاماره نیشابور و نزدیک یکی از بازارهای شهر میدان حسینیان نام داشت که منظور یک سید حسنی و یک سید حسینی بوده است. (نک: اصطخري، مسالک و ممالك، ص ۲۵۵ - ۲۵۴)

۸. شیعیان از زمان ساماپیان در ماوراءالنهر مورد توجه و احتنام بودند لذا حضور و مهاجرت سادات علوی سرعت و وسعت پیشتری یافت؛ (نک: نسفی، القند نمی ذکر علما سمرقند، ص ۱۸۱) برآمدن سلجوقيان در سده‌های پنجم و ششم هجری و برخورد تحصباً میز برخی از آنان با شیعیان، خود دلیل دیگری بر مهاجرت شیعیان به سمت مشرق به‌ویژه ماوراءالنهر بود. سمرقند که یکی از مناطق ماوراءالنهر به‌شمار می‌آمد در قرن چهارم هجری از مراکز مهم و اصلی شیعه بود و حتی مسعود عیاشی (م ۳۲۰ق) حوزه علمی فعالی در این شهر تأسیس کرد، (نک: طوسی، الفهرست، ص ۳۱۷) قزوینی رازی ضمن پرداختن به روایی شیعه در سمرقند و ماوراءالنهر در قرن ششم، حضور شیعیان در آن سرزمین را اثبات می‌کند. (نک: قزوینی رازی، تغص، ص ۲۳۳) نسخی نیز نام چند تن از عالمان شیعی را یاد کرده است که در سمرقند می‌زیسته‌اند. (نک: نسفی، القند نمی ذکر علما سمرقند، ص ۹۳)

۹. مستوفی، تاریخ گردیده، ص ۴۵؛ وجود خاندان‌های اصلی شیعه در ری که نسل اندر نسل از عالمان بودند، یکی از دلایل بروز و غلبه تشیع در این شهر است.

همه شیعه‌اند.^۱ شهر قم نیز در قرون پنجم و ششم هجری از جمله مناطق شیعه‌نشین بوده که همه مردم آن شیعه امامی بودند.^۲ آبه (آوه)^۳ نیز در عموم منابع به عنوان یکی از شهرهای مهم شیعه‌نشین معرفی شده و مردم آن به عنوان شیعیانی متعصب وصف شده‌اند تا آنجا که نام آوه تداعی‌کننده یک مرکز مهم و فعال شیعی بوده است.^۴ تفرش و فراهان نیز از دیگر شهرهای امامی مذهب جبال بودند.^۵

- مازندران (طبرستان)

قزوینی رازی گرگان، استرآباد، دهستان و همه بلاد مازندران و بخشی از طبرستان را جزو بلاد شیعه ذکر می‌کند.^۶

- همدان، اصفهان و کاشان

شهر همدان که مسکن اهل سنت بوده، برخی از خاندان‌های شیعی را نیز در خود داشته است.^۷ در شهرهای بزرگی مانند اصفهان و قزوین که بیشتر ساکنان آن شافعی مذهب بودند، شیعیان امامی مذهب نیز در برخی از محلات آن مانند الزهراء، آبه‌برود و دشتی سکونت داشتند.^۸ در روزگار غزنوی و سلجوقی، رجال شیعی دانشمندی از شهر کاشان برخاسته‌اند. بدین‌گونه که برخی ازانان گردانندگان چرخ حکومت سلجوقیان یا خلفای عباسی بوده‌اند.^۹

- عراق

در واقع گسترش تشیع در ناحیه عراق متأثر از مشاهد امامان شیعه و به قدرت رسیدن سلسله‌های شیعه مذهب در این نواحی بود.^{۱۰} شهرهای نجف،^{۱۱} کربلا،^{۱۲} کاظمین،^{۱۳} سامرا،^{۱۴} کوفه،^{۱۵} بغداد،^{۱۶} حله^{۱۷} و محله کرخ مهم‌ترین مرکز سکونت شیعیان و فرهنگ تشیع به حساب می‌آمد.^{۱۸}

۱. ابن طباطبا تعداد زیادی از شخصیت‌های علوی که در ری ساکن شده‌اند را آورده است که فهرست آن بیش از شصت و پنج علوی بنامند. (نک: ابن طباطبا، متنقله الطالیه، ص ۱۶۷ - ۱۵۱) همچنین از پادشاهی خاندان‌های شیعی که ایندا در قم و پس از آن در ری می‌زیستند، خاندان بابویه است که تا اوخر قرن

ششم شناخته شده‌اند که شیخ صدوق نام بیست و دو تن از عالمان این خاندان را آورده است. (ر.ک: صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۵ - ۳۷)

۲. آن طورکه حموی گفته: ورام شهری نزدیک ری است و غیر از ورامین می‌باشد. (نک: حموی، معجم البلدان، ج ۵ ص ۳۷۰) عبدالجلیل نیز مناطقی که کلاً یا بعضًا شیعه‌نشین هستند را یاد کرده است از جمله ورامین. (نک: قزوینی رازی، تضییغ، ص ۳۴۷)

۳. حموی، معجم البلدان، ج ۴ ص ۳۹۷؛ مستوفی نقل می‌کند: «مردم قم در مذهب خود نهایت تقصیر را داشتند». (نک: مستوفی، نزهه القلوب، ص ۶۷)

۴. آبه که آوه نیز گفته‌اند، یکی از شهرهای کوچک شیعه‌نشین بود که میان قم و ساوه قرار داشت. (نک: حموی، معجم البلدان، ج ۱ ص ۵۰)

۵. همان، ص ۳۹. قزوینی رازی، تضییغ، ص ۴۹۳.

۶. عراقی، تاریخ قم، ص ۳۹۰؛ راوندی، راحه الصدور، ص ۳۱ - ۳۰ - ۳۹۵ و ۳۹۴.

۷. هنوز نیز آثاری مانند گنبد علویان از شیعیان در این شهر برقرار است که طبق قاعده می‌تواند شاهدی بر نفوذ افکار شیعی در این دیار باشد. (نک: شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۸۰)

۸. مستوفی، نزهه القلوب، ص ۴۹ و ۵۷ و ۷۷۸.

۹. راوندی، راحه الصدور، ص ۹۸.

۱۰. از جمله: بنی مزید (حک: ۵۴۵ - ۳۵۰ ق)، بنی عقیل (حک: ۴۸۹ - ۳۸۰ ق) و بنی مردارس (حک: ۴۷۲ - ۴۱۴ ق) و سایر حکومت‌های شیعی‌ای که در منطقه عراق استقرار یافته‌اند. (ر.ک: ابن اثیر، الکامل، ج ۱، ص ۱۲۱) همچنین عبدالجلیل در شمار مناطق شیعی از مشاهد ائمه اطهار^{۱۹} یاد کرده است. (نک: قزوینی رازی، تضییغ، ص ۴۵۹)

۱۱. آل مجتبی، ماضی التمجذب و حاضرها، ص ۲۷۵.

۱۲. ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، ص ۲۱۵.

۱۳. قزوینی، آثار البلاط و اخبار العباد، ص ۳۸۵.

۱۴. قزوینی رازی، تضییغ، ص ۴۹۳.

۱۵. احمد امین، ظهر الاسلام، ج ۱، ص ۷۷ و ۲۱۷.

۱۶. بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۵۳.

۱۷. بغدادی می‌نویسد: «شهر خُبیثه، حله و مدائن در شش فرسخی بغداد، اطراف رود صُراء و بُرااثا نیز از دیگر مناطق سکونت شیعیان امامی بود». (نک: همان، ج ۱، ص ۱۷۴)

۱۸. ابن ططفقی، تاریخ فخری، ص ۲۶۹. احمد امین نیز قائل است که کرخ بزرگ ترین پایگاه تشیع در عراق و سراسر قلمرو خلافت عباسی بود و شیعیان اعتبار خاصی برای آن قائل بودند. در عصر سلجوقیان نیز مهم‌ترین مرکز شیعیان امامی بغداد و محله کرخ بود. (ر.ک: احمد امین، ظهر الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۸)

ب) تعامل علمای شیعی و اهل سنت

مرور اطلاعات منابع تاریخی این دوره نشان می‌دهد علمای شیعه و اهل سنت در مقطع زمانی مذکور در عرصه‌های مختلف علمی و آموزشی با هم تعامل داشته‌اند.^۱ همچنین علمای هردو فرقه در حلقات درسی یکدیگر شرکت جسته و با یکدیگر مناظره علمی برگزار می‌کردند و در موارد زیادی در کناره‌می‌زیسته و با هم حشرون‌نشر داشته‌اند. گاه به‌پای یک سخنران می‌نشسته‌اند و در یک مسجد نماز می‌خوانده‌اند و در مشاغل با هم همکاری می‌کرده‌اند.^۲

همچنین وجود علمای بزرگ اهل سنت همچون ابوالحسن بن سوار مغربی، ابوعلی بن شاذان متكلم، قاضی ابوالقاسم علی توخی در شمار استادان بزرگان شیعه چون شیخ طوسی و یاد کرد وی از علمای اهل سنت در آثار خویش^۳ و واگذاری کرسی علم کلام و تربیت متكلمان از جانب دستگاه خلافت به شیخ طوسی گویای این واقعیت است که تعصبات مذهبی که تا پیش از این دوران بر محافل علمی در بغداد حاکم بوده، جایش را به رویه تعامل علمی داده است.^۴ جلوه دیگری از تعامل علمی میان شیعیان و اهل سنت، نقد آرا و نظریات اعتقادی، کلامی و فقهی طرف مقابل در آثارشان بود که امروزه به فقه مقارن شهرت یافته است، از جمله کتاب خلاف شیخ طوسی.^۵

ج) جایگاه اجتماعی شیعیان

برخی از مورخان، شیعیان را اقلیتی منفلع و کنار گذاشته شده^۶ و برخی دیگر دوره سلجوقیان را «دوره انفعال سیاسی نظامی شیعه امامیه و همسازگری آنان با حاکمیت» دانسته‌اند.^۷ اما طبق روایت قزوینی (از علمای سرزمین‌های اسلامی، نفوذی گستردۀ داشته‌اند و بسیاری از پایگاه‌های در جوامع شهری و روستایی به‌ویژه در شرق سرزمین‌های اسلامی، نفوذی گستردۀ داشته‌اند و بسیاری از پایگاه‌های اجتماعی و فرهنگی چون مدارس، مساجد و کتابخانه‌ها در اختیار آنها بوده و به لحاظ سیاسی نیز حضوری فعال در حاکمیت سیاسی داشته‌اند.^۸ نویسنده کتاب تنفس لیستی از علمای شیعه در شهرهای مختلف را ذکر می‌کند و مدعی می‌شود که علمای شیعه در نزد امرا و شاهان، احترام و رتبه والاًی داشته‌اند و نسبت به علمای سنی مذهب آن شهرها نیز از نظر رتبه و درجه بالاتر بوده‌اند.^۹ از جمله این که سلاطین سلجوقی از عالمان شیعی در دربار، جهت وعظ در مجالس و همچنین برای

۱. عبدالجليل نقل می‌کند: «مجدالملک به رغم اینکه شیعه بود با اهل سنت به خوبی رفتار می‌کرد و عدالت را نسبت به همه اجرا می‌کرد و شیعه را بر مکاتب اهل سنت مقدم نمی‌داشت.» (نک: قزوینی رازی، تنفس، ص ۸۳)

۲. قزوینی رازی فصلی از کتاب نفس را به پاسخ‌گوئی این شبهه اختصاص داده است که: «چرا شیعیان در مجالس دیگر مذاهب شرکت می‌کنند؟» (نک: قزوینی رازی، التقص، ص ۱۰۴)؛ بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۱۹.

۳. بد عنوان مثال در کتاب عده الاصول بارها از شافعی، ابوحنیفه، مالک، ابوعبدالله بصری و قاضی عبدالجبار معتلی نقل قول کرده است. (نک: افشار، الهیات حقوقی تطبیقی، ص ۳۶۵)

۴. بنا به نقل ابن خلکان سید مرتضی نیز از چنان جایگاه رفیع علمی برخوردار بود که امام و پیشوای داشمندان عراق از سنی و شیعه، شده بود. (ر.ک: ابن خلکان، وغایات، ج ۳، ص ۳۳۱ - ۳۳۴)؛ همچنین خطیب بغدادی که در زمرة علمای بزرگ اهل سنت قرار داشت نیز از شاگردان ابوالفتح هلال بن محمد بغدادی شیعی بوده است. (نک: بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۷۵) براساس گزارش‌های تاریخی، شیخ طوسی در بغداد در حدود سیصد نفر شاگرد از علماء و فقهاء داشته است که تعداد شاگردان اهل سنت وی بیشتر از شیعیان بوده است. (ر.ک: موسوی، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، ص ۳۷۷)

۵. همو، الهیات حقوقی تطبیقی، ص ۱۶ - ۱۷؛ قاضی عبدالجبار نیز کتاب المعني را نوشته در اثبات عقاید معتلیان و دفع اشکالات وارد بر ابن راوندی (واخر قرن چهارم هجری) که ابتدا بر مذهب اعتزال بود و به علی مستنصر گردید و به مذهب امامیه گروید و کتابی در اثبات امامت امیر مؤمنان علی[ؑ] به نام کتاب الامامه نوشته. بخش امامت کتاب المعني عبدالجبار بر شیعیان بسیار گران آمد و سید مرتضی علم‌الهدی از بزرگان شیعه کتاب شافی را در رد آن نوشته. (ر.ک: محقق، مقدمه‌ای بر تلحیص الشافی شیخ طوسی، ص ۴۸۳ - ۴۷۷)

۶. عز قزوینی رازی به نقل از نویسنده فضائح الروافض می‌نویسد: «چون دولت در دست خلافاً بود و امیران عالمان بودند، روافض را زیون داشتند و به تقبیه ایشان فریفته نشدنی و به دین اسلام ایشان را لقب نتوشتندی و در مجالس و مناظره ایشان را تمکن نکردند.» (ر.ک: قزوینی رازی، تنفس، ص ۳۱)

۷. نک به: آقاجری، «مبانی رفار سیاسی عالمان شیعی امامی در سده‌های چهارم تا تفتم»، مجموعه مقالات، ص ۸۱

۸. قزوینی رازی، تنفس، ص ۴۳؛ برای نمونه راوندی که از معتقدان به مذهب سنت بود در واکنش به اوضاع مظلوم اجتماعی شیعیان در روزگار خویش نوشتند است: «خرابی جهان از آن خاست که عوائان و غمازان و بدینهان ظالم، زبان در آنمه دین دراز کردند و ایشان را متمه کردند و تعصب و حسد در میان ائمه ظاهر شد و عوائان بدین از قم و کاشان و آبه و طبریش و ری و فراهان و نواحی قزوین و ابهر، جمله رافضی یا اشعری در لشکر سلطان افتدند و ملک با دست گرفتند.» (ر.ک: راوندی، راحه الصالو، ص ۳۰)

۹. شخصی چون شیخ جعفر دوریستی (از اکابر علمای امامیه) آن چنان مورد احترام خواجه نظام‌الملک قرار می‌گرفته که خود شخصاً برای بهره‌بردن از درس وی هر دو هفته یک بار از ری به دوریست می‌رفته است. (نک: قزوینی رازی، تنفس، ص ۱۰۸)

مناظره با عالمان دیگر مذاهب دعوت می‌کردند.^۱

علاوه بر این، شیعیان مناصب دینی همچون منصب نقابت را در دست داشتند. آنان با کنترل انساب سادات و ترویج مودت اهل بیت^۲ در جامعه اسلامی و نیز کناره‌گیری از منازعات فرقه‌ای، در تحکیم موقعيت اجتماعی جامعه شیعی، سهمی ارزنده ایفا می‌کردند.^۳ گاهی نیز نقبا برای جلب اعتماد حاکمان وارد مسائل سیاسی می‌شدند.^۴ شیعیان امامی همچنین با برقراری ازدواج با خاندان سلاجقه در پی ارتقای جایگاه و حقوق اجتماعی و سیاسی خویش بودند.^۵ علاوه بر این، شیعیان در آبادانی و توسعه شهرها نیز در این دوره مشارکت فعالی داشته‌اند، از جمله مدارس، مساجد و آثار عمران و آبادانی که در شهرهای قم، کاشان، آبه، ورامین، ساری، سبزوار و شهرهای دیگر احداث کرده‌اند و همچنین خدمات آنان در ساخت مشاهد علوی و سادات فاطمی و خیرات و احسان‌های آنها^۶ که همه این‌ها دل بر قدرت و منزلت اجتماعی شیعیان می‌باشد.

۲. اوضاع سیاسی شیعیان در دوره سلجوقیان

سلطین سلجوقی با غلبه بر آل بویه و غزنیان، بر تمام قلمرو این دو خاندان (۴۸۵ - ۴۳۱ ق) سلطنت یافتند.^۷ آنان برای تثبیت حکومت، مخالفان خود را محدود کرده و بر شیعیان سخت‌گیری می‌نمودند.^۸ البته شیعیان برای حفظ خویش ملاحظات کافی را داشتند و نمی‌خواستند تا با سینیانی که اکثریت را دارا بودند، خود را درگیر کنند و لذا راه اعتدال را در پیش گرفتند.^۹ همچنین بر اساس گزارش منابع تاریخی این سخت‌گیری از سوی سلاجقه بیشتر در مورد اسماعیلی‌ها^{۱۰} بوده که به دنبال کسب قدرت بوده‌اند و به عنوان نمایندگان دولت فاطمی مصر در ایران به شمار می‌رفتند.^{۱۱}

۱. از جمله به دعوت ملکشاه و با حضور خواجه نظام‌الملک طوسی و عالمان اهل سنت در نظامیه بغداد مناظره‌ای میان عالم شیعی حسین بن علی علوی و ده تن از عالمان اهل سنت برپا شد که متن این مناظره را مقالی بن عطیه داماد خواجه نظام‌الملک به رشته تحریر در آورده و آن را موتمر علمای بغداد نام گذاشته است. (ر.ک: ابن عطیه الکری، مقالی، موتمر علماء بغداد، ص ۱۵۹ - ۱۶۰)

۲. نقابت به منظور صیانت از حقوق و رسیدگی به امور سادات و حفظ شان و نسب سادات پدید آمده بود. (نک: بیهقی، لباب الانساب، ج ۲، ص ۴۹۲، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۴، ۵۰۵)

۳. عبیدلی، تهدیب الانساب، ص ۱۱۷.

۴. راوندی، راحه الصدور، ص ۲۰۱؛ نمونه بارز این ازدواج‌ها عبارتند از: مجلدالملک براوستانی قمی وزیر برکیارق سلجوقی بود که در مشورت سلطنت، قوت وزارت، فرماندهی و جهانداری بجایی رسید که مادر سلطان برکیارق را به نکاح خود در آورد. ملکشاه نیز دختر خود خاتون سعیده سلقم را به ازدواج اسپهبد علی شیعی (از حاکمان باوندی - حک: ۷۵۰ - ۴۱۹ ق) در آورد. نظام‌الملک نیز دختر خود را به عقد سیدمرتضی شیعی قمی در آورد و دختر امیر اشرف شاه جعفری شیعی را به نکاح پسر خود امیر در آورد. (نک: قزوینی رازی، نقض، ص ۲۷۰، ۲۲۹، ۸۷)

۵. همان، ص ۸۲ - ۸۰ - ۷۹.

۶. عزیزی، زبانه التواریخ، ص ۱۰۱.

۷. از جمله آل‌بارسلان (۴۴۷ ق) فرمان لعن بر شیعیان را در خراسان صادر و دبیران و کارگزاران شیعی را از دستگاه سلطنت اخراج کرد. (ر.ک: ابن اثیر، الکامل، ج ۱۰، ص ۳۳) گروهی از پژوهشگران غیر ایرانی تاریخ ایران نیز با توجه به اقدامات سلجوقیان چنین نتیجه گرفته‌اند که شیعیان در دوره سلجوقیان در رنج و سختی سیار به سر می‌بردند و تنها با اتخاذ مواضع میانه‌روی و به کارگیری تقویه توانستند به زندگی خود در زیر سلطه سلجوقیان سنتی مذهب ادامه دهند.

See: Spuler, "The Disintegration of Caliphate in The East", *The Cambridge History of Islam*, Great Britain, Cambridge University press, 1995, Vol. IA, p. 152.

کولبرگ نیز تصرف بغداد از سوی طغیر را نشانه پایان یافتن عصر طلاقی شیعیان دانسته است.

See: Kohlberg, *Belief and Law in Imami Shiism*, p. 18.

۸. غلبه سیاسی و فرهنگی سینیان بر شیعیان بر آنها چنین تحمل کرده بود تا در مواردی در مسجد خویش این جمله سُنی را تونیسند که «خیر الناس بعد رسول الله ﷺ ابوبکر ثم عمر ثم عثمان ثم على». (نک: ابن جوزی، المتنظم، ج ۹، ص ۶۲۴) همچنین شیعیان در بغداد وادار شدند عبارت «حی على خير العمل» را ترک کنند و عبارت «محمد وعلى خير البشر» را از سر در همه مساجد شیعه پاک کنند. (ر.ک: ابن اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۸۶)

۹. اسماعیلیان با قیده به نامشروع بودن حاکمیت سلجوقیان همواره امامیه را به مماشات و همکاری با حکومت متمهم می‌کردند و به تقیه معتقد نبوده و

به قیام مسلحانه و براندازی حاکمیت اعتماد داشتند. در حالی که شیعیان امامیه میاندو و اهل تقیه بودند. اسماعیلیان می‌گفتند امامیه با قراتی که از

مبارزه دارند راه پیشرفت آنان را سد کرده‌اند و باید تضعیف شوند، به همین سبب در کار مبارزه با حاکمیت سلجوقیان با شیعیان امامی نیز مخالفت می‌کردند. (شهرستانی، الملل والنحل، ص ۷۲)

۱۰. مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۴۲۶؛ قزوینی، آثار العیاد و اخبار العیاد، ص ۴۱۳؛ مونتگمری وات معتقد است که اسماعیلیان ایران و فاطمیان مصر در مورد جایگزینی نظام سیاسی ناتوان بودند و رویکرد اسماعیلیان به ترور نیز از دیدگاه جامعه‌شناسانه در پیوند دقیق با نبود برنامه سیاسی ارزیابی می‌شود که روش در باورهای مذهبی آنان داشت و آنان فقط توансستند برای بیش از یک سده اسباب اشتغال خاطر عیاسیان و سلجوقیان را فراهم آورند. (ر.ک: Watt, *Islam and The integration of society*, p. 69-72)

به خصوص از قدرت‌گیری اسماعیلیان نزاری به شدت در هراس بوده و برای مبارزه با آنان از مطرح کردن هیچ‌گونه اتهامی پروا نداشتند. از عوامل پیروزی شیعیان امامیه پیوند مستحکم آنان به عقیده مذهبی و جداکردن راه خود از اسماعیلیان و قرامطه بود.^۱

با مرگ ملکشاه (۴۸۵ ق) شرایط داخلی دستگاه حاکم از نظر مذهبی و فکری دست‌خوش تغییرات مهمی شد. آنان بعد از یک دوره فشار بر شیعیان در طول حکومت سه پادشاه اول سلجوقی (طغل‌بیک، آلبارسلان و ملکشاه) با شیعیان برخوردی مسالمت‌آمیز داشتند، بهویژه روابط خوب ملکشاه با شیعیان موجب آرامش و فعالیت آنان گردید.^۲ به طوری که شیعیان در این عصر آزادانه و آشکارا مجالس تعزیه و سوگواری برای مصائب آل طه برپا داشته و ایام منسوب بدانان نزد همه فرق معروف بود.^۳ البته این تغییرات از اواسط قدرت‌گیری ملکشاه آغاز شد و پس از مرگ ملکشاه علّا شیعیان در پست‌های دیوانی بهویژه وزارت حضور یافتند.^۴ در زمان سلطنت سلطان سنجر نیز هرچند شیعیان آزادی عهد بوسیله‌یاران را نداشتند لکن نسبت به ادوار دیگر بالنسبه مقترن‌تر و از اعزاز و احترام بیشتری برخوردار بودند و به مقامات عالی سیاسی دست یافتند.^۵

(الف) مشارکت شیعیان در امور حکمرانی

نخبگان شیعی در دوره سلجوقیان بهمنظور استمرار تکاپوهای علمی خویش، از طریق دست‌یابی به ساختار قدرت سیاسی و تصدی مناصب مهم (چون ریاست دیوان‌های استیفاء، عرض و إشراف و حتی مقام وزارت^۶) بر توانمندی خود و حفظ جایگاه تشیع در جامعه کمک نموده^۷ و از این طریق برای دست‌یابی به اهداف والای خود افزودند.

ازجمله عواملی که سبب مشارکت شیعیان در امور سیاسی شد، اندیشه دست‌یابی به قدرت و خارج شدن از انزوای

۱. اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ص: ۳۳۲؛ برخی مخالفان شیعیان ازجمله نویسنده کتاب فضائح الروايات کوشیده‌اند با بیان اشتراکات امامیه و اسماعیلیه، شیعیان امامیه را به تبغ سلجوقیان بسپارند. قسمتی از کتاب النقض عبدالجلیل قزوینی در پاسخ به این شباهت نوشته شده است.

(نک: رضوی، «دفاع از امامیه و برائت از اسماعیلیه در القض»، مجموعه مقالات، ج ۱، ص ۴۴۱) به طورکلی شیعیان ائمه عشیری تندروی‌ها و کچ‌اندیشی‌های اسماعیلیه را از همان آغاز کار و دوره امام صادق^۸ نمی‌پذیرفتند. قدیمی‌ترین رذیه‌ها علیه اسماعیلیه را فضل بن شاذان شیعی (د ۲۶۰ ق) نوشته و عبدالجلیل قزوینی هم رساله‌ای قابل توجه علیه اسماعیلیه نگاشت که در حال حاضر مفقود است. (نک: دفتری، احسان‌الهای حشاشین یا اسطوره‌های فلانیان اسماعیلیه، ص: ۳۳ و ۶۴).

۲. ر.ک: ابن‌الجوزی، المتنظم، ج ۹ ص ۵۸۶ - ۵۸۷.

۳. چنان‌که این کثیر در ضمن وقایع سال ۵۰۰ ق می‌گوید: «و في يوم عاشورا منها قتل فخرالملك ابوالمظفر بن نظامالملک». (ابن‌الجوزی، البدایة والنہایة، ج ۱۲، ص ۱۶۷) همچنین در ضمن وقایع سال ۵۱۷ ق نوشته: «في يوم عاشورا منها عاد الخليفة منحلة إلى بغداد». (همان، ص ۱۹۳) صاحب فضائح - که از مخالفان سرسخت شیعه است - می‌گوید: «ابن طالفة روز عاشورا اظهار جزع و فزع کنند و مراسم تعزیت اقامه کنند و مصیبت شهدا کربلا تازه گردانند و علاما سر برهنه کنند و عوام جامه چاک زنده و زنان روح خراشند و مویه کنند ...». عبدالجلیل به دنبال گفته صاحب فضائح، چگونگی اقامه این مجالس را در شهرهای شیعی و سهیم بودن ختفان را بیان می‌کند و می‌نویسد: «و به ری که از امهات بlad عالم است معلوم است که شیخ نصرابادی و خواجه محمود حداد حنفی در کاروان‌سرای کوچک و مساجد بزرگ، روز عاشورا چه کرده‌اند؛ از ذکر تعزیت و لعنت ظالمان و در این روزگار آنچه هر سال خواجه امام شرف‌الائمه ابورنصر الهستجانی کند در هر عاشورایی به حضور امراء ترکان و خواجگان و حضور حنفیان، معروف و همه موافقت نمایند و باری کنند...». (قزوینی رازی، نقض، ص ۴۰۲ - ۴۰۳).

۴. راوندی، راحة الصدور، ص ۳۳ - ۳۲.

۵. نک: قزوینی رازی، نقض، ص ۷۹ و ۸۲ مورخان سنی این روزگار را روزگار غلبه روافض در بسیاری از نقاط می‌دانند. (ر.ک: ابن‌حزم، رساله اسماء الخلفاء، ج ۲، ص ۱۵۴)

۶. ازجمله وزرای شیعی این دوره عبارتند از: تاج‌الملک ابوالغنایم، سعدالملک ابوالمحاسن (بنداری اصفهانی، زیده النصرة و نحبة العصرة، ص ۷۰ و ۲۴۵، ۳۳۲ و ۲۴۵)، مجددالملک قمی (قزوینی رازی، نقض، ص ۱۳۱)؛ انشیبروان بن خالد (ابن جوزی، المتنظم، ج ۸، ص ۳۳۴)، مختص‌الملک کاشی (نشیابوری، سلجوق‌نامه، ص ۹۹)، فخرالدین ابوطاهر اسماعیل کاشی (قمی، تاریخ وزراء، ص ۱۶۳)، معین‌الدین کاشی (قزوینی رازی، نقض، ص ۲۲۶ و ...).

۷. یکی از آثاری که اوج تسلط شیعیان را بر ادبیات دیبری و اداری روزگار سلجوقی شان می‌دهد، کتاب تاریخ الوزرا (۵۸۴ ق) نجم‌الدین ابوالراجی قمی شیعی است، به گفته این ندیم سراسر این کتاب مملو از اثر و نفوذ شیعیان و علویانی است که در ری و قم نفوذی تمام داشته و از ثروت و مکننی عظیم هم برخوردار بوده‌اند. (ر.ک: ابن‌ندیم، الفهرست، ص ۲۵۴)

سیاسی بود که در قالب شکل‌گیری دولت‌های شیعی در قرون سوم تا پنجم هجری توanst شیعه را بیشتر معرفی نموده و موجب قدرتمند شدن تشیع گردد^۱ که در این بین عصر آل بویه بستر رونق و شکوفایی علمی و فرهنگی مضاعفی را برای شیعیان فراهم کرد. با این شرایط به نظر می‌رسید که خلافای عباسی و سلاطین سلجوقی باید در نگاه و رابطه با شیعیان تعییراتی ایجاد نمایند و حضور شیعیان را در جامعه اسلامی جدی‌تر بگیرند.

از دیگر عوامل مهمی که در تمایل یافتن شیعیان در امور حکمرانی نقش داشت، حضور عالمان شیعی آگاه و بیدار^۲ ارائه آرایی مبنی بر جواز همکاری نخبگان شیعی با حاکم جائز^۳ با توجه به شرایط (رعایت منافع شیعیان، رفع ستم از آنها، احراق حق و ابطال باطل در حالت اجبار، اظطرار و تقیه) بود. البته همکاری نباید موجب مقصیت شود.^۴ از سوی دیگر از آنجایی که زیرینی تفکر شیعیان در تعامل با اندیشه اهل سنت بر حفظ حیات و استقلال بنا نهاده شده بود، تلاش همه جریان‌های فعال شیعی به نوعی برای دست‌یابی به این اندیشه بود. این طرز تفکر نیز متأثر از آموزه‌های امامان شیعی بود که تأکید فراوانی بر دفاع از حریم اسلام و تشیع، جلوگیری از پراکندگی و حفظ وحدت دینی داشتند. بدنبال این اندیشه، عالمان عقل‌گرای شیعی این دوره با به کارگیری شیوه تسامح و تقیه، توanstند زمینه تعامل شیعیان امامی و سنی مذهبان را فراهم آورند، لذا در دوره سلجوقی شاهد افزایش همکاری و مشارکت شیعیان در امور حکمرانی هستیم.^۵

(ب) حمایت سلاطین سلجوقی از جریان‌های تولید دانش و دانشمندان

بکی از عوامل مؤثر در ایجاد زمینه مساعد علمی و رونق بازار دانش و معرفت، وجود وزیران دانشمند و ادبپروری بود که غالباً با سمت دیپری و با تکیه بر دانش خویش به درگاه امرا و خلفاً راه یافته و به مدارج عالیه ترقی – تا مرتبه وزارت نائل شدند. یکی از این اندیشمندان، خواجه نظام‌الملک طوسی (۴۸۵ - ۴۰۸ ق) بود.^۶ در روزگار سلجوقیان با تأکیدی که بر تحصیلات عالیه می‌شد، روند بُروز حیات فکری و فرهنگی شتاب گرفت، به‌طوری‌که اکثر سلاطین سلجوقی و وزرای آنها ادبیان، علماء و فقهاء را مورد حمایت قرار داده و ایشان در مجتمع علمی حضور می‌یافتدند.^۷ نقش این دوره طلابی اسلامی در عرصه‌های علمی و فرهنگی با تأسیس نظامیه‌ها (۴۵۸ ق) – به عنوان نخستین دانشگاه ایرانی پس از اسلام که نزدیک به تشكیلات امروزی است و بنای آن به نقل ابن خلکان به دست خواجه نظام‌الملک طوسی وزیر شافعی مذهب سلجوقی و پرچم‌دار یک نهضت بزرگ آموزشی – آغاز شد. وی خواجه را اولین شخصیتی برشمرده که در اسلام به تأسیس مدارس پرداخته و دیگران از او پیروی کردند.^۸ دستاورد این مراکز، کامیابی‌های فرهنگی بسیاری از

۱. برآمدن دولت‌هایی مانند آل ادريس (۳۷۵ - ۱۷۲ ق)، علویان طبرستان (۳۱۶ - ۲۵۰ ق)، آل بویه (۴۴۷ - ۳۳۴ ق)، فاطمیان مصر (۵۶۴ - ۳۵۹ ق)، دولت محالی بنی مزید در حله (۵۴۵ - ۴۰۳ ق) و همچنین نزدیکی خاندان‌های شیعی به بدنۀ قدرت همچون آل برید، آل فرات و آل نوبخت در قرون سوم و چهارم زمینه طرح دیدگاه‌های شیعی و خارج شدن از انزوای سیاسی را مهیا کرد.

۲. عالمانی همچون سید مرتضی (م ۴۳۶ ق)، ابولصلاح حلی (۴۴۷ - ۳۴۷ ق)، شیخ طوسی (۴۶۰ - ۳۸۵ ق)، حسن بن طبرسی و ابن ادريس حلی (۵۹۸ - ۵۴۲ ق). (نک: کدیبور، تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران، ص ۱۵)

۳. از دیدگاه شیعه مشروعيت حاکم زمانی بحسبت می‌آید که از سوی امام معصوم^۹ و یا نائب او منصوب یا مأذون باشد. در زمان حضور ائمه‌مخصوصین^{۱۰} مشروعيت هرگونه حکومتی نزد شیعیان مخدوش بود. پس از جریان غبیت، شیعیان در مسئله حکومت با جالش مواجه شدند و هرگونه نظام سیاسی از منظر اندیشه سیاسی غالب علمای این دوره فاقد مشروعيت تلقی شده و تعامل با چنین حکومت‌هایی جایز شمرده نمی‌شد اما از این دوره به بعد در اثر رشد فقاهت و اجتهاد شیعی دیدگاه علمای بزرگ شیعی نیز متتحول شد. (ر.ک: احمدی طالشیان، تحول مفهوم حاکم جائز در فقه سیاسی شیعه، ص ۳۴)

۴. ر.ک: موسوی بغدادی (علم‌الهدی)، رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، ص ۸۹؛ حلی، الکافی الفی الفقہ، ص ۹۲ - ۱۰۱؛ طوسی، النهایه، ص ۳۰۲ - ۳۰۳؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۴۱۹؛ حلی، السرائر، ج ۲، ص ۲۰۲.

۵. قزوینی رازی نیز بر آن است تا نشان دهد سلاجقه مشکل خاصی برای شیعه امامیه بوجود نیاورده و با تسامح با آن بربخورد کرده‌اند؛ (نک: قزوینی رازی، تفضیل، ص ۴۱، ۱۱۳، ۱۰۸، ۶۵، ۴۴) صاحب فضایق نیز این نکته تأسیف می‌خورد که در زمان او که احتمالاً اواخر قرن پنجم و اوائل قرن ششم است و ضعیت متفاوت شده آن گونه که: «اکنون خدایان همه ترکان و حاجب و دریان و فراش، بیشتر راضی‌اند و بر مذهب رفض مساله می‌گویند و شادی می‌کنند بی‌بیمی و تقبیه‌ای». (نک: همان، ص ۱۱۳)

۶. عرب‌سُکی، طبقات الشافعیه، ج ۳، ص ۴۰.

۷. ابن جوزی، منظمه، ج ۱۰، ص ۲۵۹ و ۲۶۵ - ۲۶۴.

۸. مقریزی، الموعظ، ج ۴، ص ۱۹۲؛ ابن خلکان، وفیات، ج ۱، ص ۱۸۰ و ۲۰۲؛ همچنین سبکی می‌نویسد: «نظام‌الملک در هر شهری از عراق و خراسان یک مدرسه ساخت». (ر.ک: سبکی، طبقات الشافعیه، ج ۳، ص ۱۲۷) عمالدین اصفهانی نیز می‌گوید: «در هر شهری که نظام‌الملک

دانشمندان و پژوهندگان این مدرسه‌ها بود که بهار نشست.

بررسی منابع آن عصر نشان می‌دهد که شیعیان نیز در رقابت با همشهری‌های سنی‌مذهب خود در ساخت مساجد، مدارس و کتابخانه‌ها در مناطق شیعه‌نشین آن روزگار^۱ همواره نقش مهمی را ایفا نموده و با ایجاد مراکز علمی^۲ و تربیت دانشوران بر جسته با تالیفات ارزشمند، نقش بارزی در گسترش مفاهیم مذهب تشیع و رونق فقهی مکاتب شیعی و سازمان‌دهی نهاد مرجعیت شیعی به همراه طرح آرای علمای پیرامون فقه سیاسی و اجتماعی ایفا کردند. به این ترتیب اعتبار علمی شیعیان را افزایش داده و بر توانایی خویش برای مقابله با مخالفان عقیدتی افزودند. به‌نظر می‌رسد رقابت آنان با همشهری‌های سنی‌مذهب خود در این امر مؤثر بوده است و جامعه شیعی با اتکا به علمای مصمم و پرشور خود و با برخورداری از نهادهای علمی در رقابت با مدارس نظامیه‌ها و تربیت عناصر وزیبده علمی و فرهنگی، بر توانمندی‌های علمی خود افزووده و آثار متعددی را خلق نمودند.^۳

نتیجه

بنابر شواهد تاریخی، با توجه به اینکه عصر سلجوقیان دوره رونق مذهب اهل سنت بود، علی‌رغم این شهرت با بررسی اوضاع اجتماعی و سیاسی شیعیان در این دوره دریافتیم که شیعیان در آن دوره از آزادی نسبی برخوردار بوده و شرایط مناسبی را برای رشد و شکوفایی در بسیاری از عرصه‌ها از جمله تکاپوهای علمی داشتند. عوامل اجتماعی و سیاسی که موجب فراهم‌شدن افزایش تکاپوهای علمی شیعیان در این دوره شد، عبارتند از: فراهم‌شدن بستر رونق و شکوفایی علمی و فرهنگی شیعیان در دوره آل بویه؛ در پیش گرفتن سیاست تعامل توسعه علمای شیعی با بزرگان و پیشوایان سنی‌مذهب؛ سخت‌گیری سلاطین سلجوقی نسبت به اسماعیلیان قدرت‌طلب و آزادی نسبی امامیان؛ توفیر و ترفع منزلت اکابر شیعیه، سادات و علویان از سوی سلاطین و مردم؛ مشارکت شیعیان در امور حکمرانی که این امر با برآمدن دولت‌های شیعی مقترن و خروج شیعیان از انزوای سیاسی، حضور عالمان شیعی آگاه و عقل‌گرا و گسترش و تعمیق فرهنگ شیعه و ارائه آرائی مبنی بر جواز همکاری نخبگان شیعی با حکومت جائز در شرط خاص با حفظ اصول مذهب و بکارگیری شیوه تسامح و تقیه ... حاصل شد. همچنین حمایت وزرای سلجوقی از علم و دانش و تأسیس مدارس نظامیه و رقابت شیعیان با سنی‌مذهبان در تأسیس نهادهای علمی در مناطق شیعه‌نشین، عواملی شد برای تحقق رشد تکاپوهای علمی شیعیان و تربیت عالمانی بر جسته و خلق آثاری ارزشمند در علوم اسلامی و محض. بدین معنا که ضمن گسترش عقاید خود، تلاش‌های علمی و فرهنگی خود را فرونوی داده و زمینه افکار عمومی را برای ایجاد حکومتی شیعی در قرن‌های آینده آماده کردند.

مردی دانشمند می‌یافتد بی‌درنگ مدرساهای برای او می‌ساخت تا در آنجا به تدریس پردازد و درآمدی از وقف بدان ویزگی می‌داد و آن را به کتابخانه‌ای می‌آراست.» (ر.ک: به: عمام الدین کاتب، تاریخ دوله آل سلجوقی، ص ۵۷)

۱. قروینی رازی می‌نویسد: «شیعیان در شهرهای خود مدارس عالی بی افکنند و اگر به تعذید مدارس سادات مشغول شویم در بلاد خراسان و حدود مازندران و شهرهای شام از حلب تا حران و از بلاد عراق چون قم و کاشان و آبه که مدارس چند است، طومارات کتب خواهد». (نک به: قروینی رازی، تقض، ص ۳۸ - ۳۴)

۲. بنابر قرائن تاریخی نهاد آموزشی شیعه در عصر اختناق حکام اموی و عباسی، خانه‌های ائمه و پیشوایان مذهب و یا مساجد بود و از آن به بعد مدفن امامان و اهل بیت^۴ از جمله نجف اشرف و شهرهای کاظمین و سامراء در عراق و شهرهای قم و مشهد و سایر نقاط گردید. لذا ایران و عراق، مرکز تجمع علمای شیعه در دنیا اسلام شد. از جمله مدارس مشهور شیعی ری و قم مدرسه: سید تاج‌الدین محمد گلکی، شمس‌الاسلام حسکا با بویه، سید زاهد ابوالفتوح؛ خواجه امیرک شیعی؛ خواجه امام رشید رازی؛ شیخ زیدر مکی؛ اثیر‌الملک، سعد صلت، سید سعید عزالدین مرتضی، سید امام زین‌الدین امیره، شرف شاه الحسنی، مدرسه‌ای جنب مشهد مطهر فاطمه بنت موسی بن جعفر^۵، ظاهر الدین عبدالعزیز، استاد ابوالحسن کمیج، شمس‌الدین مرتضی، مرتضی کبیر، شرف‌الدین و در آبه مدرسه: عزالملکی و عرب شاه، در ورامین: مسجد جامع و مدرسه رضویه و فتحیه، (ر.ک: قروینی رازی، تقض، ص ۴۷۳، ۱۶۹، ۱۶۴، ۴۸، ۴۷) در خراسان مدرسه: مشهد امام رضا^۶، پریزاد، بالاسر، دودر، امیرسیدی، (ر.ک: ابن بطوطه، سفرنامه، ج ۱، ص ۴۴۱) در بیهق مدرسه: بیهقیه، دروازه عراق، (ر.ک: حموی، مجمم الادب، ج ۲ ص ۱۶۳ - ۱۵۶) در بیزد مدرسه: رکیه، شمسیه و مدرسه وقت و ساعت، مدرسه مجده در کاشان (ر.ک: رازی، هفت اکیم، ج ۱، ص ۱۴۸ - ۱۴۷) حوزه علمیه قزوین، (ر.ک: ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۳، ص ۴۰۴) در عراق: حوزه علمیه بغداد؛ کتابخانه بزرگ محله کرخ (ر.ک: ذبیحی، میران الاعتدال، ج ۴، ص ۲۷) در نجف: حوزه نجف، مدرسه تاجیه، مسجد اعظم کوفه، مسجد بنی الحمراء، حوزه علمیه حله. (ر.ک: متنجب الدین، الفهرست، ص ۳۲ - ۳۱)

۳. ر.ک: جداول فهرست عالمان شیعی در علوم اسلامی و محض، ص ۱۵

نام	آثار	منبع
علی بن عیسیٰ کحال م ۴۳۰ ق، بغداد	تشریح العین - تذکرہ الکھالیہ - منافع الحیوان نخستین بار در جراحی چشم از داروی بیهودی استفاده کرد.	ابن ابی اصیبیعه، عیون الانباء، ج ۱، ص ۲۰۳ و ۲۴۷
محمد جوزجانی د ۴۰۳ ق، طبرستان	اصول هندسه - مختصر کتاب اقليدس - المختصر فی القلم الموسيقى - شرح قصیده عنيبه - المختصر مجسطی - مقدمه کتاب الشفاف - تفسیر مشکلات قانون - الحیوان	صفا، تاریخ علوم عقلی، ج ۱، ص ۲۸۹ - ۲۷۷
شهمردان رازی د ۴۲۵ ق، ری	روضه المنجمن - نزهت نامه علایی - حل الرموز السماویہ من اجل الکنوش الدنیاویہ، کتاب البدایع در تاریخ و کتابی درباره کیمیا، اخبار فرس و سرود نامه پهلوی	محقق، مراکز علمی ری و تأثیر آن در ایران، ص ۲۲۱
ابوریحان بیرونی م ۳۶۳ ق، خوارزم	التقہیم فی اوقات صناعه - تحديد نهایات الاماکن - الآثار الباقیة عن القرون الخالية - دائرة المعارف نجومی - التقہیم فی اوقات صناعه - الصیدنیه فی الطب	حموی، معجم الادباء، ج ۲، ص ۹۳
علی بن احمد نسوی د ۴۷۳ ق، ری	المقنع فی الحساب الہندی - البلاغ فی شرح کتاب اقليدس - الاشباع فی شرح الشكل القطاع - تفسیر ماخوذات ارشمیدس - التجربید فی الہندسہ - فی عمل الدائرة - بازنامه - الزیج الفاخر - اختصار صور - الکواکب - التسویہ - شرح طب جالینوس	قریانی، نسوی نامه، ص ۳۳ - ۱۲۱
عبدالجلیل السجزی م ۴۷۷ ق، سیستان	المدخل الی علم الہندسہ - فی وصف القطوع المخروطیہ - عمل المسبع فی الدائرة - تحصیل ایقاع النسبة المولفة الائتی عشره فی شکل قطاع المسقط - فی صنعت الاء تعریف بها الابعاد و عمل هذه الاء - فی کیفیه صنعت النجومیہ - فی کیفیه صنعت جمعی الاسطربلابات - الجامع علی الجمل و المواقع فی علم النجوم - عمل مثلث حاد الزوایا من خطین مستقیمین مختلفین، احکام الاسعار - تحويل الموالید	قریانی، زندگی نامه ریاضی دانان دوره اسلامی، ج ۱، ص .۲۶۴ - ۲۶۳
محمد بن احمد بیهقی م ۴۸۵ ق، بیهق	فی المخروطات و الہندسہ - الحساب و الجبر - المقابلہ - علم الحیل	طوفان، تراث العربی العلمی فی الریاضیات، ص ۳۳۱
ابوالحسن طبیب م ۵۴۷ ق، بغداد	المغنی فی تدبیر الامراض و العلل و الاعراض - فی صفات تراکیب الادویہ - خلق الانسان - التلخیص النظامی فی الطب - کتاب فی البراقان	صفدی، الواقی، ج ۳، ص ۹۰ - ۹۱
علی بن فضل الله سالار حسام الدین، د ۵۱۳ ق	تبیین مصادره اقليدس فی الخطوط المتوازیہ - زیج شاهی - جامع قوانین علم الهیثیه - رساله در استخراج سمت قبله - طرائق الحکماء	همایی، خیامی نامه، ج ۱، ص ۱۱۹ و ۲۹۴ - ۲۸۱
ابوحاتم اسفزاری د ۵۱۵ ق، سبزوار	اختصار فی اصول اقليدس - مقدمه فی المساحه - خلاصه کتاب الحیل بنو موسی - مراکز الانتقال - اختصار اصول اقليدس - رساله ای در هیدرولیک و مکانیک - آثار علوی یا کائنات جو (زبان فارسی) - ساخت ابزارهای مکانیکی - رصد اعتدال بهاری - ساخت ترازوی ارشمیدس	بیهقی، تتمه صوان الحکمه، ص ۱۶۳
عبدالرحمان خازنی د ۵۲۵ ق، خراسان	المسائل العددیه - تفسیر المقاله العاشره من اقليدس - میزان الحکمه - زیج الصفائح - سرعالعالمین فی الهیثیه - فی اتخاذ کره تدور بذاتها بحرکه مساویه - اختراع ابزارهای نجومی - رویت هلال ماه و نظریه گرفتگی ها و زیج سنجری	بیهقی، تاریخ حکماء الاسلام، ص ۱۶۱
عمر خیام نیشابوری م ۵۲۶ ق، نیشابور	فی البراهین علی مسائل الجبر و المقابلہ - فی شرح ماشکل من مصادرات اقليدس - میزان الحکمه - قسطاس المسقیم - مسائل الحساب - مشکلات الحساب - طرق هندرسی برای استخراج جذر و کعب - رساله زیج ملکشاهی - لوازم الامکنه - روضه القلوب - ضیاء العلي - ترجمه خطبه ابن سینا - مشکلات ایجاد - عیون الحکمه - رساله معراجیه - روضه القلوب - ضیاء العلي تدوین تقویم جلالی - شرح خلط موازی و نظریه نسبت ها - موسس مکتب علم جبر - طبقه بندی معادلات جبری	بیهقی، تاریخ حکماء الاسلام، ص ۱۱۹ - ۱۲۳
سید اسماعیل جرجانی م ۵۳۱ ق، جرجان	ذخیره خوارزمشاهی (نخستین دائرة المعارف پزشکی به فارسی) - خُفی علایی - الأغراض الطبيه والمباحث العلانيه - یادگار - زیده الطب - فی حفظ الصحه در علم تشریح - التذکرہ الاشرفیه - الطب الملوكی - تدبیرالیوم و لیله - ترجمہ قانون ابن سینا به فارسی - ترجمه ذخیره خوارزمشاهی به عربی - ال رد علی الفلاسفه - القياس - التحلیل	سعانی، التحییر، ج ۱ ص ۹۰ - ۹۱

منبع	آثار	نام
زرکلی، الاعلام، ج ۷، ص ۳۴۷	تفسیر القرآن الکریم - العهد الاکید فی تفسیر قرآن المجید - البرهان فی تفسیر غریب القرآن	ابوالفتح دیلمی ق، طبرستان ۴۴۴
تهرانی، الذریعه، ج ۳، ص ۳۲۸	عده الاصول - تهذیب و استبصار (از کتب اربعه شیعه) - اختیار الرجال - الفهرست - التبیان فی تفسیر القرآن	محمد بن حسن طوسی، ۴۶ ق، خراسان
صدر، تاسیس الشیعه، ص ۳۴۰ و ۴۱۹	جواحی الجامع - الکافی الشافی - مجمع البیان فی تفسیر القرآن (در ۱۰ جلد از نظر شیوه تدوین و تبویب در میان همه تفاسیر فرقین و فارسی و عربی بی سابقه است)	فضل بن حسن طبرسی ۵۴۸ ق، سبزوار
آقابزرگ، الذریعه، ج ۱۱، ص ۲۷۴	روض الجنان و روح الجنان (اولین و قدیمی ترین تفسیر مفصل به زبان فارسی در ۲۰ جلد) - روح الاجاب و روح الالباب فی شرح الشهاب	ابوالفتح رازی ۵۵۴ ق، ری
بیهقی، تاریخ بیهقی، ص ۱۶۷	تاج المصادر - المحيط بلغات القرآن - ینایع اللنه - المحیط بعلم القرآن	ابوجعفر بیهقی م ۵۴۴ ق، خراسان
زرکلی، الاعلام، ج ۴، ص ۲۹۰	تفسیر بیهقی - استله القرآن مع الاجوبه - احکام القرآن - اعجاز القرآن - قرائی آیات القرآن - قصص القرآن - شرح بر نهج البلاغه (نخستین شرح)	ظہیر الدین ابوالحسن علی ابن فندق ۵۶۵ ق، خراسان
منتجب الدین، فهرست، ۷۶ ص	آیات الاحکام - احکام الاحکام - الاتجاج فی شرح الایجاجز - رحل المعقول - الشافیه فی الغسله الثانیه - الخمس - من حضره الاداء و علیه القضاe - رساله الفقهاء - مشکلات النهایه - المتهی فی شرح النهایه - الرائع فی الشرایع - البیات فی جمیع العبادات - نهیه النهایه - فقه القرآن - المستقصی - تحفه العلیل - فی صحه احادیث اصحابنا - شرح الكلمه المائیه - ضیاء الشهاب - لباب الباب - المجالس فی الحديث - دعوات - شرح الكلمات المائیه لامیر المؤمنین - شرح نهج البلاغه - تفسیر راوندی - جواهر الكلام	قطب الدین ابوالحسن راوندی ۵۸۹ ق، کاشان
عسقلانی، لسان المیزان، ج ۵، ص ۶۵	السرائر الحاوی لتحریر المقاوی - المسائل - خلاصه الاستلال فی المواسعه و المضایقه، المختصر فی المضایقه	ابن ادریس حلی ۵۹۸ ق، حله
همو، لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۱۰	متشابه القرآن و مختلفه - الطرائق فی الحدود و الحقائق - المخزون و المکنون فی عیون الفنون - مائده الفائدہ - المثال فی الامثال - معالم العلماء - مناقب آل ابی طالب - البرهان فی اسیاب نزول القرآن - مثالب التواصب	رشید الدین محمد ابن شهر آشوب م ۵۸۸ ق، طبرستان
قرزوی رازی، التضفی، ص ۱۹۳	روضه الوعاظین - التنویر فی معانی التفسیر و بصیره المعتظمين	محمد بن حسن فتال نیشاپوری ۵۰۸ ق، خراسان
منتجب الدین، فهرست، ۳۷ ص	الکفایه فی العبادات - یوم و لیله - الاعتقادات بر رد صوفیه - الحسنی - الرد علی الزیدیه	جعفر بن محمد دوریستی ۴۷۴ ق، ری
همو، فهرست، ۱۰۰ ص	بعض مثالب النواب فی نقض بعض فضائح الروای - تنزیه عائشه - البراهین	عبدالجلیل قرزوی رازی ۵۶۶ ق، ری
سمعانی، الانساب، ۲۹۳ ص ۵	صحیح التقویم - اسرار الحقیقیه - جامع الاسرار - تراکیب الانوار - حقایق الاستشهاد - الارشاد الی الاولاد - الاحسان فی علم المیزان - الخماه - ذات الفوائد - فی تبیین الحجر - الواضح فی فک الرموز - رساله خاتمه - صحیفه الناموس الحکمی فی تهذیب احجار السبعة - افعال الطبیعه - شرح دیوان منتی - مفاتیح الحکم و مصایب الرحمن به فارسی - مفاتیح الرحمن و اسرار الحکم	موید الدین طغرائی اصفهانی ۴۸۶ ق، ری
طوسی، الرجال، ج ۱، ص ۲۸۰	مقاریه الطیبه فی مقارنه النبیه - الاربعون فی الاحادیث - ضوالشهاب - نوادر - الرساله الذهیبیه - ذات الحواشی - الکافی فی التفسیر - دیوان سیدالرضالراوندی - نظم العروض	سید ضیا الدین ابوالرضاء فضل الله راوندی ۴۰۸ د، ری

منبع	آثار	نام
پاشا بغدادی، هدیه العارفین، ج ۲، ص ۷۱	اقرابذین - الاسباب والعلامات فی الطب - الفصول الايلاقیه - فی مساحه الاشکال - شرح مقاله دهم ابن دینارشرابی	السيد شرف الدين الايلاقي م ۵۳۶ق، خراسان
بیهقی، لباب الانساب، ج ۱، ص ۱۷۶.	جواع الاحکام الحساب - دره الوشا - الفراض بالجدول - خلاصه الزیجه - معرفه ذات الحق والکره والاسطلاح - احکام القراءات - جواع احکام التحوم ۳ج - اسمی الادویه - بسانین الانس ودسانین الحدثی براهین النفس - مناهج الدرجات الامارات فی شرح الاشارات تاریخ بیهق - تتمه صوان الحكمه - مشارب التجارب وغوارب الغرائب	علی بن زید بیهقی م ۵۶۵ق، خراسان

منابع و مأخذ

۱. آقابزرگ طهرانی، *الذریعه الى تصانیف الشیعه*، بیروت، دار الاضوا، ۱۴۰۳ق.
۲. آقاجری، سید هاشم، «مبانی رفتار سیاسی عالمان شیعی امامی در سده‌های چهارم تا هفتم»، مجله بازتاب اندیشه، ۱۳۸۰، ش ۱۹، ص ۷۴ - ۶۹.
۳. آل محبوبی، جعفر الشیخ باقر، *ماضی النجف و حاضرها*، بیروت، دار الاضوا، ۱۹۸۶م.
۴. ابن ابی اصیعه، احمد بن قاسم، *عيون الانبا فی طبقات الاطلی*، فرانکفورت، معهد تاریخ العلوم العربیه و الاسلامیه، ج ۱، ۱۹۹۵م.
۵. ابن اثیر، ابی الحسن علی بن ابی الكرم، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
۶. ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی، *المتنظم*، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
۷. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله الرحله، *قاھره*، بی جا، ۱۳۵۷ق.
۸. ابن حزم، علی بن احمد، *رساله اسماء الخلفاء*، بیروت، دار الجیل، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م.
۹. ابن حکلکان، ابوالعباس، *وفیات الاعیان*، بیروت، دار الثقافه، ۱۳۱۰ق.
۱۰. ابن شهرآشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه، بی تا.
۱۱. ابن طباطبا، ابواسماعیل ابراهیم بن ناصر، *منقوله الطالیبه*، ترجمه محمدرضا عطایی، تحقیق: مهدی الخرسان، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ش.
۱۲. ابن طقطقی، محمد بن علی، *النھری فی آداب السلطانیه و الدویل الاسلامیه*، بیروت، دار صار، بی تا.
۱۳. ابن عطیه البکری، مقاتل، *موتمر علماء بغداد*، ترجمه علی لواسانی، تهران، شیر، ۱۳۸۰.
۱۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البلایه و النهایه*، بیروت، دار عالم الکتب، ۱۴۲۴ق.
۱۵. ابن ندیم، اسحاق بن محمد، *الفهرست*، به کوشش گوستاو فلوگل، بی جا، لاپیزیک، ۱۸۷۲ - ۱۸۷۱م.
۱۶. احمد امین، *ظہر الاسلام*، *قاھره*، مکتبه النھضه المصریه، ۱۹۶۳م.
۱۷. احمدی طالشیان، محمدرضا، تحول مفهوم حاکم جائز در فقه سیاسی شیعه، تهران، مرکز استاد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۸. ادريسی، محمد بن محمد، *نزهه المشتاق فی اختراق الآفاق*، *قاھره*، *الثقافه الدینیه*، ۱۴۱۴ق.
۱۹. اشپولر و دیگران، *تاریخ تکاری در ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۸۸.
۲۰. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، *مسالک و ممالک*، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۶۸.
۲۱. افشار، حسن، *اللهیات حقوق تطبیقی*، مجموعه مقالات هزاره شیخ طوسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۲۲. بنداری اصفهانی، عماد فتح بن علی، *زیاده النصره و تجیه العصره*، ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶.
۲۳. بیهقی، ابوالحسن علی، *تاریخ بیهق*، تصحیح بهمنیار احمد، بی جا، چاپخانه اسلامی، ۱۱۲۶ق.
۲۴. بیهقی، ابوالحسن علی، *تتمه صوان الحكمه*، به کوشش محمد شفیع، لاھور، بی نا، ۱۳۵۱ق.
۲۵. بیهقی، ابوالحسن علی، *لباب الانساب*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ق.
۲۶. پاشا بغدادی، اسماعیل، هدیه العارفین، طهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۹۶۷م.

۲۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *تاریخ نیشابور*، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، تهران، چاپ محمدرضا شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵.
۲۸. حسینی، صدرالدین، *زبدہ التواریخ*، ترجمه رمضان علی روح‌اللهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌تا.
۲۹. حلبی، تقی‌الدین، *الکاخی فی الفقہ*، اصفهان، کتابخانه امیر المؤمنین علی^ع، ۱۴۰۳ ق.
۳۰. حلی، ابن‌ادریس، *السرافی*، قم، اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۳۱. حموی، یاقوت، *معجم الادباء*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش، ۱۳۸۱.
۳۲. حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، ترجمه علی نقی مژوی، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۳.
۳۳. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، تحقیق عبدالقدار مصطفی عطا، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۷.
۳۴. دقتری، فرهاد، *افسانه‌های حشائین یا استغروه‌های فلانیان اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدراهی، تهران، فرزان روز، ۱۳۷۶.
۳۵. ذهبی، شمس الدین، *تذکرة الحفاظ*، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۳۷۴.
۳۶. ذهبی، محمد بن احمد، *میران الاعتدال فی نقد الرجال*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰.
۳۷. رازی، امین‌احمد، *هفت اقلیم*، تصحیح جواد فاضل، بی‌جا، کتابفروشی ادبیه، بی‌تا.
۳۸. رازی، علی بن بابویه، *فهرست منتجب الدین*، تحقیق جلال الدین محمد ارمومی، قم، مهر، ۱۳۶۶.
۳۹. راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، راجح الصدور و آیه السرور در تاریخ الـسلجوقیان، به کوشش جعفر شعار، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۵.
۴۰. رضوی، رسول، «دفاع از امامیه و برائت از اسماعیلیه در النقص»، *مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت عبدالجلیل رازی قزوینی*، قم، دبیرخانه کنگره بزرگداشت عبدالجلیل رازی قزوینی، ۱۳۸۹.
۴۱. زبرجدی، نیره، «حضور شیعیان در مناصب سیاسی - اداری سلجوقیان»، *فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال ۸، ۱۳۹۷ ش، ۲۹، ص ۴۷ - ۴۲.
۴۲. زبرجدی، نیره، *دستاوردهای علمی شیعیان در دوره سلجوقیان*، قم، دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۷.
۴۳. زرکلی، خیرالدین، *الاعلام*، بیروت، دار العلم، ۱۳۹۶.
۴۴. سیکی، تاج‌الدین، *طبقات الشافعیه*، قاهره، دار احیا الكتب العربیه، ۱۳۲۴.
۴۵. سمعانی، ابی سعد عبد‌الکریم، *الانساب*، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۰۸.
۴۶. سمعانی، ابی سعد عبد‌الکریم، *التحبیر فی المعجم الكبير*، تحقیق منیره ناجی سالم، بغداد، مطبعة الارشاد، ۱۳۹۰.
۴۷. شوستری، سید نورالله، *مجالس المؤمنین*، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۷.
۴۸. شهرستانی، محمد بن عبد‌الکریم، *الممل والنحل*، قاهره، مکتبه المصريه، بی‌تا.
۴۹. صدوق، علی بن بابویه قمی، *معانی الاخبار*، تصحیح علی اکبر الغفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۱.
۵۰. صفا، ذبیح‌الله، *تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۶.
۵۱. صفدي، صلاح‌الدین، *الواحی بالعلویات*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۱.
۵۲. طرسی، ابوعلی‌الفضل بن الحسن، *مجمع البيان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵.
۵۳. طوسی، ابی جعفر محمد، *الفهرست*، تحقیق صادق بحر العلوم، قم، منشورات رضی، بی‌تا.
۵۴. طوسی، ابی جعفر محمد، *النهاية فی مجرد الفقه و الفتوی*، بیروت، دار الكتاب، ۱۴۰۰.
۵۵. طوسی، ابی جعفر محمد، *رجال الطوسی*، تحقیق جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵.
۵۶. طوقان، قدری حافظ، *تراث العربی العلمی فی الریاضیات و الفلك*، جامعه الدول، دار الشروق، ۱۳۴۲.
۵۷. عبیدلی، ابی‌الحسن، *تهذیب الانساب و نهایه الاعقاب*، قم، کتابخانه آیت‌الله نجفی، ۱۴۱۳.
۵۸. عسقلانی، احمد بن علی، *لسان المیزان*، حیدرآباد دکن، مجلس دائرة‌المعارف النظامیه، ۱۳۳۱.
۵۹. عمال‌الدین کاتب اصفهانی، محمد بن صفی‌الدین، *زبدہ النصره و نخبه العصره*، بیروت، دار الكتب العلمیه، بی‌تا.
۶۰. قربانی، ابوالقاسم، *زنگنه نامه ریاضی دانان دوره اسلامی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.
۶۱. قربانی، ابوالقاسم، *نسوی نامه*، تحقیق در آثار علی بن احمد نسوی، تهران، زر، ۱۳۵۱.

- .۶۲. قزوینی رازی، عبدالجلیل، *النقض، تصحیح جلال الدین محدث*، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
- .۶۳. قزوینی، ذکریا بن محمد، آثار البیاد و اخبار العباد، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۴ ق.
- .۶۴. فقط، جمال الدین، *تاریخ الحكماء*، به کوشش بهمن دارائی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- .۶۵. قمی، حسن بن محمد، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی قمی، تهران، بی‌نا، ۱۳۱۳.
- .۶۶. قمی، نجم الدین ابوالرجا، *تاریخ وزراء*، به کوشش محمد تقی داشنپژوه، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
- .۶۷. کحاله، عمر رضا، *معجم المؤلفین*، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ۱۹۵۷ م.
- .۶۸. کدیبور، جمیله، *تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران*، تهران، طرح نو، ۱۳۷۸.
- .۶۹. گردیزی، عبدالحسین بن ضحاک، *زین الاخبار*، تصحیح عبدالحسین حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- .۷۰. لسترنج، گی، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۳.
- .۷۱. محقق، مهدی، *مراکز علمی ری و تأثیر آن در ایران*، تهران، بیست گفتار، ۱۳۶۸.
- .۷۲. محقق، مهدی، *مقدمه‌ای بر تلحیص الشافعی شیخ طوسی*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲.
- .۷۳. مستوفی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲.
- .۷۴. مستوفی، حمدالله، *نزهه القلوب*، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۳۶.
- .۷۵. مقریزی، احمد بن علی، *كتاب الموعظ و الاعتبار*، قاهره، بی‌نا، ۱۹۱۱ م.
- .۷۶. موسوی بغدادی، *رسائل الشریف المرتضی*، بی‌جا، خیام، ۱۴۱۰ ق.
- .۷۷. موسوی، سید حسن، *زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ ق.
- .۷۸. نسفی، نجم الدین، *القند فی ذکر علماء سمرقند*، تهران، میراث مکتب، ۱۳۷۸.
- .۷۹. نیشابوری، ظهیر الدین، *سلیمانی نامه*، تهران، کلاله خاور، ۱۳۳۲.
- .۸۰. همایی، جلال الدین، *خیامی نامه*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۴۶.
81. Kohlberg, Etan, *Belief and Law in Imami Shiism*, Variorum, 1991.
82. Spuler, B., "The Disintegration of Caliphate in The East", *The Cambridge History of Islam*, Great Britain, Cambridge University press, 1995.
83. Watt, Montgomery, *Islam and The integration of society*, London, Routledgek & Kegan paul Ltd, 1961.